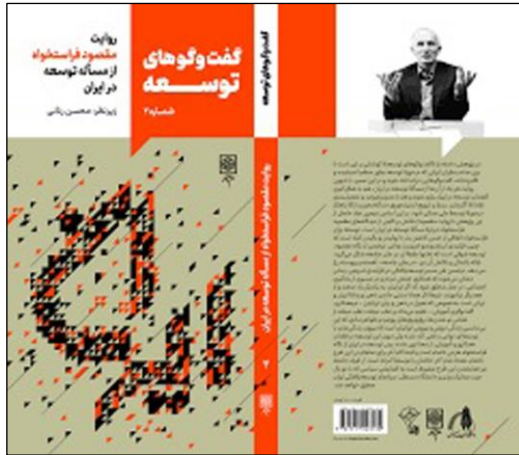


معرفی کتاب



گفت و گویای توسعه؛ روایت مقصود فراستخواه از مساله توسعه در ایران

پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس با مشارکت موسسه پویش فکری توسعه طرح روایت‌نگاری توسعه ایران که مشتمل بر سلسله نشست‌هایی تحت عنوان گفت‌وگویای توسعه است را به اجرا گذاشته است. هدف از این گفت‌وگوها، استخراج زوایای پنهان مساله توسعه در ایران است.

به گمان بانیان این حرکت، فقدان یک گفتمان فراگیر توسعه، یکی از عوامل اصلی ناکامی توسعه ایران بوده است.

روایت مقصود فراستخواه از مساله توسعه در ایران دومین مجلد نتایج حاصل از گفت‌وگویای توسعه است. جلد اول روایت محمود سریع‌القلم از مساله توسعه در ایران در سال ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است.

مقصود فراستخواه اندیشمندی چندرشته‌ای یا میان‌رشته‌ای است. او دانش خود را در حوزه‌های مختلف همچون علوم اجتماعی، روان‌شناسی، ادبیات، علوم دینی تاریخ و علوم تربیتی بسط داده است. آنچه برای او درباره توسعه معنادار است «شوق توسعه در میان ایرانیان با وجود همه دشواری‌ها» است و علت عدم موفقیت توسعه در ایران را دولتی شدن توسعه می‌داند و این را دلیل شکل نگرفتن نوگرایی و نوشدگی در ایران می‌داند. وی معتقد است توسعه، آهسته و پیوسته تکامل می‌یابد و یک فرآیند تدریجی است که نیازمند همکاری جمعی مردم است. او با تاکید بر جوامع محله‌ای، همسایگی و مدنی، همچنین سازمان‌های غیردولتی، صنفی و حرفه‌ای فعال، معتقد است توسعه از «سطح میانی» جامعه آغاز شده و دوام و قوام پیدا می‌کند. او در عین حال توسعه اقتصادی را بر دموکراسی خواهی مقدم و امر اقتصادی را بر امر سیاسی مقدم می‌داند به این معنی که بخشی از مسیر توسعه را می‌توان بدون دموکراسی رفت اما حرکت به سوی دموکراسی را بدون سطحی از توسعه ناممکن می‌داند. از نگاه او: «دموکراسی بدون رشد، بازی با حاصل جمع صفر، و دعوا بر سر کیسه‌های خالی است».

از نگاه مقصود فراستخواه راه‌حل توسعه ایران را در مفهومی به نام کنشگر مرزی و نقش کلیدی آن‌ها در شرایط بحرانی کنونی باید جست‌وجو کرد. این کنشگران مرزی (و تبدیل شدن آن‌ها به کنشگران مدنی) می‌توانند راه گفت‌وگو و تعامل با دولت و سیستم را باز کنند و بر نقش کنشگران مرزی برای زمینه‌سازی

تحولات مثبت تاکید می‌کند. این کنشگران در مرز میان حکومت و جامعه فعالند به طوری که هم موقعیتی در حکومت دارند و هم منزلتی در جامعه. این کنشگران در صورتی تاثیر جدی خواهند داشت که فعالیتهای خود را در شبکه‌ای به هم پیوسته سامان دهند تا بتوانند اتفاق توسعه را رقم بزنند:

«باید بازگردیم به منطق یادگیری از طریق عمل اجتماعی، باهم آموختن از طریق با هم کار کردن، بازگشت به نهادهای سطح میانی و خرد، به تمرین‌های جماعتی، به منطق صنف‌ها، حرفه‌ها، سازمان‌های کوچک، همسایگی‌ها، محله‌ها، دوستی‌ها، انجمن‌ها و حتی حلقه‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی، NGOها، نهادهای مدنی. بازگشت به منطق بازی‌های دسته‌جمعی و همکاری‌های مولد و خلاق...» معنایی که فراستخواه برای توسعه در نظر دارد این است: «توسعه یعنی همبستگی بیشتر، همکاری بیشتر اجتماعی و پاسخگویی بیشتر دولت، مشارکت اجتماعی، جامعه فعال، نه دولت فعال».

برای آشنایی بیشتر با اندیشه‌های مقصود فراستخواه، شما را دعوت می‌کنیم به خواندن این کتاب ارزشمند.